



تفاوت «شجره ممنوعه» در قرآن و تورات/ درختی که آدم را از بهشت اخراج کرد

خداوند پس از سکونت آدم و حوا در بهشت به آنان اجازه داد از میوه هر درختی که در باغ بود استفاده کنند و فقط آن دو را از نزدیک شدن به یک درخت معین منع و از خطر وسوسه‌های شیطان آگاه کرد.

خداوند پس از سکونت آدم و حوا در بهشت به آنان اجازه داد از میوه هر درختی که در باغ بود استفاده کنند و فقط آن دو را از نزدیک شدن به یک درخت معین منع و از خطر وسوسه‌های شیطان آگاه کرد.

خدا به آدم و حوا هشدار داد که اگر از میوه آن درخت بخورند به خودشان ستم کرده‌اند. آدم و حوا با وسوسه شیطان، میوه درخت ممنوع را خوردند و دستور خروج آن‌ها از بهشت به زمین صادر شد.

شجره ممنوعه یا درخت ممنوع، همان درختی است که حضرت آدم و حوا با وسوسه شیطان میوه آن را خوردند. داستان میوه ممنوع در قرآن چندین مرتبه (سوره‌های بقره (آیه 35-38)، اعراف (آیه 19-23) و طه (آیه 120-122)) آمده و تورات نیز با روایتی متفاوت به این ماجرا پرداخته است.

درباره ماهیت درخت ممنوع چند دیدگاه وجود دارد در قرآن به حسد و در تورات علم معنا شده است.

در ادامه موضوع «شجره ممنوعه»؛ که آیت الله مکارم شیرازی در جلد 6 تفسیر نمونه آورده است، تقدیم می‌شود.

در 6 مورد از قرآن مجید به «شجره ممنوعه» اشاره شده است، بدون اینکه درباره کیفیت و یا نام آن سخنی به میان آید، ولی در منابع اسلامی دو نوع تفسیر برای آن آمده است:

یکی تفسیر «مادی»؛ که طبق معروف در روایات، «گندم» بوده است. باید توجه داشت که عرب «شجره» را تنها به درخت اطلاق نمی‌کند، بلکه به بوته‌های گیاهان نیز شجره می‌گوید، لذا در قرآن مجید به بوته «کدو»؛ شجره اطلاق شده است، می‌فرماید: «أَتَبْنٰا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ یَّقْطِیْنِ».

و دیگری تفسیر «معنوی»؛ که در روایات از آن تعبیر به «شجره حسد» شده است زیرا طبق این روایات، آدم (ع) پس از ملاحظه مقام و موقعیت خود چنین تصور کرد که مقامی بالاتر از مقام او وجود نخواهد داشت، ولی خداوند او را به مقام جمعی از اولیاء از فرزندان او (پیامبر اسلام و خاندانش) آشنا ساخت، در او حالتی شبیه به حسد پیدا شد و همین شجره ممنوعه بود که آدم مأمور بود به آن نزدیک نشود.

در حقیقت طبق این روایات، آدم (ع) از دو درخت تناول کرد که:

یکی از مقام او پائین‌تر بود و او را به سوی جهان ماده می‌کشید و آن گندم بود و دیگری درخت معنوی مقام جمعی از اولیاء خدا بود که از مقام و موقعیت او بالاتر قرار داشت و چون از دو جنبه از حدّ خود تجاوز کرد به آن سرنوشت گرفتار شد.

اما باید توجه داشت این حسد از نوع حسد حرام نبوده و تنها یک احساس نفسانی بوده است، بی آنکه کمترین گامی بر طبق آن بردارد.

و با توجه به اینکه آیات قرآن دارای معانی مختلفی است، مانعی ندارد که هر دو معنی از آیه اراده شود.

اتفاقاً کلمه «شجره»؛ در قرآن مجید در هر دو معنی به کار رفته است، گاهی در معنی درختان معمولی و مادی مثل «و شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدِّهْنِ» (مؤمنون/ 20) که اشاره به درخت زیتون است و گاهی در شجره معنوی به کار رفته مانند «و الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ» (اسراء/ 60) که منظور از آن، جمعی از مشرکان یا یهود و یا اقوام طاغی دیگر همانند «بنی‌امیه» است.

البته مفسران احتمالات متعدد دیگری درباره «شجره ممنوعه» داده‍اند، ولی آنچه گفتیم از همه روشن‍تر است.

اما نکته‍ای که در اینجا باید یادآور شد این است که در «تورات» تحریف یافته که امروز مورد قبول همه مسیحیان دنیا و یهود است، شجره ممنوعه به عنوان «شجره علم و دانش و شجره حیات و زندگی» معرفی شده است.

تورات می‍فرماید: آدم قبل از آن که از شجره علم و دانش بخورد علم و دانشی نداشت و حتی برهنگی خود را تشخیص نمی‍داد و هنگامی که از آن خورد و به معنی واقعی، آدم(ع) گردید، از بهشت رانده شد، از ترس اینکه مبادا از درخت حیات و زندگی نیز بخورد و همچون خدایان! حیات جاویدان پیدا کند!

و این از روشن‍ترین قرائنی است که گواهی می‍دهد، «تورات» فعلی کتاب آسمانی نیست بلکه ساخته مغز بشر کم اطلاعی است که علم و دانش را برای آدم عیب می‍پندارد و آدم را به گناه علم و دانش، مستحق رانده شدن از بهشت خدا می‍شمرد، گویا بهشت جای افراد فهمیده نبود!

جالب این که دکتر «ویلیام میلر» که او را به عنوان «مفسر برجسته و توانای انجیل» (و به طور کلی عهدین) به شمار می‍آورند، در کتاب خود تحت عنوان «مسیحیت چیست؟» چنین می‍نویسد: شیطان به صورت مار داخل باغ شد و حوا را راضی کرد که از میوه آن درخت بخورد، سپس حوا آن را به آدم داد و آدم هم از آن میوه خورد، این عمل والدین اولیه ما، تنها یک اشتباه معمولی، و یا خطایی از راه بی‍فکری نبود، بلکه عصیان عمدی بر ضد خالق بود. به عبارت دیگر آنها می‍خواستند، خدا شوند، آنها مایل نبودند مطیع اراده خدا گردند، بلکه می‍خواستند، امیال خود را انجام دهند، نتیجه چه شد؟ خدا آنها را به شدت سرزنش نمود و از باغ بیرون راند تا در جهان پر درد و رنج، زندگی کنند.

این مفسر «تورات و انجیل» در حقیقت، خواسته است شجره ممنوعه تورات را توجیه کند، ولی بالاترین گناه یعنی ضدیت و جنگ با خدا را به آدم نسبت داده است.